

ژیل فوکونیه، مارک ترنر

چه گونه می اندیشیم آمیزه‌ی مفهومی و پیچیدگی‌های پنهانِ ذهن

ترجمه‌ی

مانشاه میرزاییگی



This is a Persian translation of
The Way We Think: Conceptual Blending and the Mind's Hidden Complexities
by Gilles Fauconnier & Mark Turner
Basic Books, New York, 2002
Translated by Jahānshāh Mirzābeigi
Āgāh Publishing House, Tehran, 2020
info@agahbookshop.com

سرشناسه: فوکونیه، ژیل، ۱۹۴۴ - م.

Fauconnier, Gilles, 1944

عنوان و نام پدیدآور: چه گونه می اندیشیم؟: آمیزه‌ی مفهومی و پیچیدگی‌های پنهان ذهن / ژیل فوکونیه، مارک ترنر؛ ترجمه‌ی جهانشاه میرزاییگی

مشخصات نشر: تهران: آگاه، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۵۹۹ ص: ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۱۶۰-۰۰-۴

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

The Way We Think: Conceptual Blending and the Mind's Hidden Complexities, c200۰ یادداشت: عنوان اصلی

یادداشت: کتابنامه: ص. [۵۷۷] - ۵۹۹

عنوان دیگر: آمیزه‌ی مفهومی و پیچیدگی‌های پنهان ذهن.

موضوع: مفهوم

موضوع: Concepts

موضوع: اندیشه و تفکر

موضوع: Thought and thinking

شماره‌ی افزوده: ترنر، مارک

Turner, Mark

شناسه‌ی افزوده: جهانشاه، ۱۳۲۷ -، مترجم

رده‌بندی کنگره: BF۴۴۳

رده‌بندی دیویی: ۱۵۳.۳

شماره‌ی کتاب‌ناسی: ۶۱۵۷۸۸۳



ژیل فوکونیه، مارک ترنر

چه گونه می اندیشیم: آمیزه‌ی مفهومی و پیچیدگی‌های پنهان ذهن

ترجمه‌ی جهانشاه میرزاییگی

چاپ یکم ترجمه‌ی فارسی: بهار ۱۳۹۹، آماده‌سازی و نظارت بر چاپ: انتشار آگاه

نمونه‌خوانی: فرهاد گلچین

چاپ و صحافی: فرهنگ‌بان

شمارگان: ۳۳۰ نسخه

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

انتشارات آگاه

خیابان انقلاب، بین اردیبهشت و ۱۲ فروردین، شماره‌ی ۱۳۴۰. تهران ۱۳۱۴۶

تلفن: ۶۶۴۶۷۳۲۳، ۶۶۴۶۰۹۳۲

فروش اینترنتی: www.agahbookshop.com

قیمت: ۱۱۰,۰۰۰ تومان

مرور فصل‌ها

پیش‌گفتار

۱۳

خوش‌یکم: مدل شبکه

۱۹

۱. عصرِ صورت و عصرِ تخیل

برخی از قابل‌توجه‌ترین دست‌آوردهای قرن بیستم را مرور می‌کنیم: قدرتِ جادویی کامپیوترها، کشفِ رمز ژنتیک، کاربردِ گسترده‌ی روشِ تعارف در علومِ صوری و ساختارگرایی در علوم اجتماعی. این قرن قرنِ رویکردهای نوین است. ورت بود، یک آرایه‌ی مؤثر از روش‌ها برای کشف و دست‌کاری معنا از طریق تحلیلِ نظمِ صورت. با این حال، برای رسیدن به این نتایج، دست‌کاری‌های صورت‌های نرم بود که عملیاتِ مغز را بدیهی بگیرد، مغز اندامی که در طولِ سه میلیارد سال تکامل یافته و طی چند ماه اول زندگی فرد آموزش دیده است. این همانی، ادغام، یا یک رجیم و تخیل — عملیاتِ پایه، راز آلود، توان‌مند، پیچیده، و عمدتاً ناآگاه — در قلبِ حیاتِ ساده‌ترین معنای ممکن جای دارند. ارزشِ ساده‌ترین صورت‌ها در پویایی‌های نوظهور پیچیده‌ای جای دارد که در ذهنِ خلاق برمی‌انگیزند. این عملیاتِ پایه هم برای ابداعِ معانی روزمره و هم خلاقیتِ بی‌همتای انسان اساسی هستند.

۳۹

۲. نوکی قله‌ی یخ

عملیاتِ مربوط به ساختِ معنا توان‌مند اما عمدتاً نامرئی هستند. مضمونِ موردِ

نظر ما عملیات ذهنی پایه‌ای است که آن را آمیزه‌ی مفهومی می‌نامیم. با ارائه‌ی چند مثال شروع می‌کنیم که در آن‌ها آمیزه چون روز روشن آشکار است. اولین آن‌ها در بخش با عنوان «بانوی آهنین و کمر بند زنگار گرفته»، نوعی معنای خلاف واقع را نشان می‌دهد که نقش مهمی در علوم سیاسی بازی می‌کند. این مثال — ساده از لحاظ فهم انسان، اما حاوی پیچیدگی پنهانی که حتا از ظرفیت توان‌مندترین کامپیوترهای امروز هم فراتر می‌رود — یک پیشرفت چشم‌گیر در پویایی‌های آمیزه‌ی مفهومی است. «پیش خدمت اسکی باز» نشان می‌دهد که چه گونه عملیات یک‌سان برای خلق کنش نوظهور عمل می‌کنند. دیگر مثال‌های جالب آمیزه‌ی مفهومی عبارت‌اند از واسطه‌های کامپیوتر («جنی در کامپیوتر»)، اعداد مختلط در ریاضیات («اعداد دیوانه»)، عملیات جنسی («باشگاه تریپ») و جشن فارغ‌التحصیلی دانش‌گاه («فراغت از تحصیل»).

۶۹

۳. عناصر آمیزه

آمیزه‌ی مفهومی دارای اصول سازنده است، که ما با انداختن نگاهی به معمای «راهب بودایی» آن‌ها را مشخص و به روشنی ارائه می‌دهیم.

۹۳

۴. پیش به سوی مطالب عمیق‌تر

برخی مثال‌های مشهور آمیزه‌ی مفهومی در تنوعی از حوزه‌ها عبارت‌اند از «جدل با کانت»، «مسابقه‌ی قایق‌رانی»، و «بای‌بیر».

۱۱۳

۵. علت و معلول

فهم عمیق‌تر آمیزه محصول تراکم‌های زیاد در شبکه‌های آمیزه، یا یک پارچگی مفهومی، مخصوصاً تراکم علت و معلول، است. انسان با بهره‌بردن از زنجیره‌های بلند و پراکنده‌ای از استدلال منطقی را کنترل و معنای کلی آن‌ها را درک کند. این دقیقاً همان چیزی است که شبکه‌های یک پارچگی امکان آن را برای انسان فراهم می‌سازند. مراسم تولد و ازدواج به تراکم‌های ظریف و توان‌مندی از علت و معلول بستگی دارند. هم‌چنین تراکم‌های توان‌مند در آگاهی‌های تبلیغاتی، اندیشه‌ی ریاضی، و کم‌دی الهی داته نیز فعال هستند.

درست همان‌گونه که محصولاتِ عالی و نظام‌مندِ شیمی — اسیدها و بازها، رنگ‌ها از تیتراسیون، سوخت‌وساز، واپاشی هسته‌ای — در اصل از پیش بیان نمی‌شوند که بر اساس آن اتم‌ها ترکیب می‌شوند و مولکول‌ها را تشکیل می‌دهند، به همان‌سان محصولاتِ عالی و نظام‌مندِ آمیزه در اصلی از پیش بیان نمی‌شوند که بر اساس آن فضاهای ذهنی ترکیب می‌شوند و فضاهای جدیدی با معنای نو ظهور تشکیل می‌دهند. نظامِ کاملی از اصولِ برهم‌کنش‌کننده در پشتِ امکاناتِ مربوط به آمیزه‌ی مفهومی وجود دارد، و ما باید برای تبیینِ هر کدام از این محصولات با کلِ این نظامِ گلاویز بشویم.

بیش‌تر آن نام به شرح مفهومی می‌پردازد. تراکم در شبکه‌های آمیزه بر پایه‌ی مجموعه‌ی بسیار که از روابط عمل می‌کند که در عصب‌شناسی پایه‌ی انسان و تجربه‌ی مشترک اجتماع ریشه دارند. این روابط حیاتی، که شامل علت-معلول، تغییر، زمان، این‌همان، فردونیت، بازنمایی، و جزء-کل می‌شوند، نه تنها در میان فضاهای ذهنی به کار می‌روند بلکه توپولوژی یا مکان‌شناسی درون این فضاها را هم تعریف می‌کنند. می‌شود که آمیزه نیز ابزارِ تراکم است. یکی از هدف‌های فراگیرِ تراکم از طریق آمیزه — تست‌رسی به «مقیاس انسانی» در فضای آمیخته است، که در آن دست‌کاری آگاهانه‌ی فراوانی صورت می‌گیرد.

تراکم و وا-تراکم روابط حیاتی می‌توانند نمونه‌های عالی تولید کنند، مانند پیچیدگی علمی تکامل زیستی گوزن شاخ‌چنگالی امریکا، و مفاهیم فرهنگی تنازع که در شعر «فرگوس و درونید» ویلیام باتلر ییتس با بیان شاعرانه آمده است.

در یک توپوگرافی مفصل از شبکه‌ها، چهار نوع از آن‌ها برجسته می‌نماید که عبارت‌اند از ساده، آینه‌ای، تک‌دامنه، و دودامنه. در انتهای بالای طیف پیچیدگی آمیزه، شبکه‌های دودامنه ورودی‌هایی را با چارچوب‌های مختلف (و غالباً متضاد) سازمان‌دهنده در هم می‌آمیزند تا در فضای آمیخته، ساختارِ چارچوبی

نظهور و خلاق را تولید کنند. آمیزه‌ی دودامنه چیزی است که ما معمولاً در کشفیات و نوآوری‌های علمی، هنری، و ادبی مشاهده می‌کنیم. در واقع، خلاقیت دودامنه شاید برجسته‌ترین مشخصه‌ی نوع انسان باشد.

۲۰۱. پیوستگی در پس تنوع

ادغام یا یک‌پارچگی مفهومی محصولات ذهنی‌ای تولید می‌کند که غالباً کاملاً با هم متفاوت به نظر می‌رسند. این ناهمبندی ظاهری متفکران پیشین را به این اشتباه انداخت که فرض کنند این محصولات باید ناشی از ظرفیت‌های ذهنی، عملیات، یا پیمانه‌های متفاوت باشند. اما در واقع این‌ها همه محصول عملیات ذهنی یک‌ان هستند. طرح‌واره‌های نگاشت منظم، و شیوه‌های منظمی برای ترکیب آن‌ها وجود دارد که زیربنای مفاهیم و عبارت‌های به‌ظاهر متفاوت قرار می‌گیرد. ای‌ثال، منطق و استعاره، به یک‌سان این نظام‌های نگاشت و آمیزه را به کار می‌برند.

بخش دوم: چه گونه می‌اندیشیم؟ مفهوم انسان را، بخواهیم یا نخواهیم، همان چیزی می‌سازد که هست

۲۴۵. ۹. منشأ زبان

نوع انسان از لحاظ داشتن زبان، هنر، ریاضیات، کالبد ابزار، مدهای مختلف لباس، علوم، ریاضیات، و صورت‌های تزیینی و موسیقی و رقص منحصر به فرد است. این واقعیت که این چیزهای عجیب و غریب در دوران پارینه‌سنگی زیرین وارد صحنه شد یک معمای علمی بزرگ را طرح می‌سازد. ما برای این معما راه‌حل پیشنهاد می‌دهیم: همه‌ی این چیزهای عجیب و غریب در برابر دارایی منبع واحد هستند، که همانا تکامل توانایی آمیزه‌ی دودامنه است. این تبیین را شواهد باستان‌شناسی، مردم‌شناسی، و ژنتیک اخیر در باره‌ی منشأ از لحاظ شناختی انسان مدرن تأیید می‌کنند.

۲۷۷. ۱۰. چیزها

ما چیزها را می‌سازیم، آن‌ها را حمل می‌کنیم، با آن‌ها مشورت می‌کنیم، هم دیگر

را در باره‌ی نحوه‌ی کاربرد آن‌ها آموزش می‌دهیم، خود را با آن‌ها آذین می‌بندیم، آن‌ها را به هم‌دیگر هدیه می‌دهیم. چرا؟ یک ساعتِ مُچی عادی را در نظر بگیرید. به خودی خود، یک چیز غیرِ عادی و بی‌ربط به نظر می‌رسد، اما ساعتِ مُچی یک تکیه‌گاه یا مرجعِ مادی برای یک آمیزه‌ی مفهومی جالب به شمار می‌رود. با استفاده از اثرِ ادوین هاتچینز در موردِ آمیزه‌ی مفهومی و لنگرِ مادی، می‌بینیم چه‌گونه چیزهایی که زندگی ما را انباشته‌اند پشته‌های شبکه‌های یک پارچگی مفهومی دودمانه‌ی ما هستند. برخی از مثال‌هایی که بررسی می‌کنیم ساعت‌های مُچی هستند: سنجه‌هایی از همه‌نوع، پول، سوغاتی، آرا، قهر، کلیسا، نوشتن، سخن‌رانی، و امضا کردن.

۳۰۷

۱۱. ساختنِ غیرِ واقع

انسان تظاهر می‌کند تقلید می‌کند، دروغ می‌گوید، خیال‌پردازی می‌کند، فریب می‌دهد، اغوا می‌کند، وارد حاکمیت می‌گردد، شیهه‌سازی می‌کند، مدل می‌سازد، و فرضیه‌ها را بر اساس زندگی ذهنی ما به شیوه‌های مختلف به تفکر در بابِ خلافِ واقع‌ها بستگی می‌دهد، موتور محرکه‌ی چنین تفکری آمیزه یا یک پارچگی مفهومی است.

آمیزه‌های مفهومی تفکرِ خلافِ واقعِ اندیشه، علم را به پیش می‌برد. ما در یک باغِ وحشِ خلافِ واقع از چیزهای منفی (باغ‌وحش) رد (باغایب) زندگی می‌کنیم.

۳۵۱

۱۲. هویت و منش

مفاهیمی از این دست که ما کی و چی هستیم به آمیزه‌ی مفهومی وابسته هستند. از جمله‌ی ترفندهای ذهن انسان، آمیزه‌ی عادی دو این‌همانی مختلف است. آن‌گونه که در جمله‌ی زیر دیده می‌شود: «اگر به‌جای شما بودم، کنار می‌رفتم.» برخی مفاهیم بسیار قدرت‌مندِ انسان، مثل رستگاری انسان، بازیافتن اعتبار، انتقام، و دشنام در واقع ساختارهای آمیزه هستند. و برخی از پرنفوذترین افراد نافرادی هستند که از طریقِ آمیزه‌ی مفهومی واردِ زندگی ما شده‌اند.

۳۷۹ ۱۳. دگر دیسی

انسان به کرات مقوله‌ها را تغییر می‌دهد. مقوله‌ی جدید، هر چند با قدیمی ارتباط دارد، می‌تواند یک ساختار کاملاً نوظهور داشته باشد. اعداد مختلف، و ویروس کامپیوتری، مثال‌هایی از دگر دیسی مقوله‌ها هستند.

۳۹۱ ۱۴. آمیزه‌های چندگانه

یک پارچگی مفهومی همواره شامل یک فضای آمیخته و دست‌کم دو فضای ورودی و یک فضای عام است. در واقع، می‌تواند با هر تعداد از فضاها و ورودی عمل کند. آمیزه به صورت تکراری هم می‌تواند به کار برود. محصول آمیز می‌تواند خود ورودی عملیات یک آمیزه‌ی جدید باشد. مثال‌هایی که در این جا بررسی می‌کنیم، گستره‌ای از یک ستون روزنامه در باره‌ی سیاست مراقبت بهداشتی در عنوان «دراکولا و بیمارانش» تا یک طنز سیاسی آکروبات بازی («لک‌لک هیچ به‌ش را با یک قاشق نقره‌ای در دهانش در گوش سوم زمین انداخت»)، تارنه‌ای به ویرانه‌تار در باب سقط جنین («من خودم به‌عنوان یک کودک ناخواسته...»)، ادبیات می‌برد.

۴۱۹ ۱۵. خلاقیت چنددانه

این فصل خلاقیت مفهومی جالبی را می‌آورد که حاصل شبکه‌های آمیزه‌ی چنددانه است. به‌خصوص این که ما شبکه‌هایی را با موارد زیر بررسی می‌کنیم: خشم، مرگ، دعوای شرکتی، شمشیرهای دولبه، و بیسبال سطل آشغال.

۴۳۳ ۱۶. اصول سازنده و اصول حاکم

این یک فصل نظری است که در آن این نکته را بررسی می‌کنیم که زائای‌های مربوط به خلاقیت دودانه‌ی ذهنی انسان محدود و مقید هستند. اغلب این که همین محدودیت‌ها و قید و بندها فرایند را تقویت می‌کنند.

انسان مدرن آمیزه‌ی مفهومی را برای تغییر و تحول — به منظور غنی ساختن و تنوع بخشیدن به جهان‌های مفهومی‌ای که به زندگی ما معنا می‌بخشند — در جهان‌های با تخیلات جنسی، دستور زبان، اعداد مختلف، این همانی شخصی،

رستگاری، افسردگی، بلیت بخت‌آزمایی به کار می‌برد. اما یک چنین دورنمایی از ایده‌ها و رفتارهای فوق‌العاده مختلف انسان یک پرسش را برمی‌انگیزد: آیا هر چیزی ممکن است و هیچ قاعده و قانونی وجود ندارد. برعکس، یک پارچگی مفهومی نه تنها بر اساس یک مجموعه‌ی روشن از اصول سازنده بلکه زیر کنترل یک مجموعه‌ی برهم‌کنشی از اصول حاکم^۱ نیز رفتار می‌کند. یک مجموعه از اصول حاکم با توپولوژی، تکمیل الگو، یک پارچه‌سازی، پیشینه‌سازی روابط حراتی، تشدید روابط حیاتی، تعمیر و نگهداری شبکه‌ی روابط در یک شبکه‌ی یکپارچه، میزانی که نسبت به آن یک آمیزه مستعد بازکردن خود است، و ارتباط ربط به عناصر در یک آمیزه. با این حال، مجموعه‌ی دیگری از اصول حاکم به تنظیم شبکه‌ی مفهومی پیچیده در یک آمیزه‌ی واحد در مقیاس مفهومی انسان^۲ پرداخته. در این فصل، هدف‌های فراگیری از یک پارچگی مفهومی را نیز مرور می‌کنیم. سپس نشان می‌دهیم که چه‌گونه انواع متعارف شبکه‌های آمیزه‌ی مفهومی ساده، آینه‌ای، تک‌دامنه، دودامنه — به کرات مطرح می‌شوند چون یک روش یک‌بار و شسته‌رفته برای برآورده‌سازی اصول حاکم را در اختیار قرار می‌دهند.

۴۹۵

۱۷. صورت و معنا

زبان و دیگر توانایی‌های بیانی پیچیده‌ی انسان نتایج تجزیه و تکوین (پنج‌هزار سال پیش) ظرفیت منحصر به فرد انسان در آمیزه‌ی مفهومی پیش‌رفته بوده است. عبارت‌ها بازتاب الگوهای یک پارچه‌سازی مفهومی مستعد ما آن‌ها را به کار می‌بریم تا دیگران را به اجرای آمیزه‌های مفهومی ترغیب کند. وقتی آمیزه‌ی مفهومی دودامنه برای انسان دست‌رس‌پذیر شد، زبان از طریق تکامل فرهنگی در زمان فرهنگی (در تقابل با زمان تکاملی) زبان وارد صحنه شد.

۵۴۷

۱۸. چه‌گونه زندگی می‌کنیم

با بررسی نقش مرکزی آمیزه‌ی مفهومی در این باره که چه‌گونه یاد می‌گیریم، چه‌گونه می‌اندیشیم، و چه‌گونه زندگی می‌کنیم کتاب را به پایان می‌بریم.

پیش‌گفتار

پنج‌هزار سال پیش، کم‌تر یا بیش‌تر، در عصر پارینه‌سنگی زبرین، نیاکان ما برجسته‌ترین پیش‌رشد ما را در تاریخ بشر آغاز کردند. پیش از آن، انسان یک گروه کوچک از پستان‌دارن بزرگ محسوب می‌شد و پس از آن ذهن انسان قادر بود زمام امور جهان را در دست خود بگیرد. چه اتفاقی افتاد؟

شواهد باستان‌شناسی حاکی از آن است که در دوران پارینه‌سنگی، انسان یک توانایی بی‌سابقه پیدا کرد. این توانایی قوه‌ی تخیل انسان مدرن بود، که به آن‌ها قدرت ابداع مفاهیم تازه و ترکیب الگوهای ذهنی پویا و جدید می‌بخشید. نتایج این تغییر فوق‌العاده بود: انسان هنر، علم، مذهب، فرهنگ، ابزارهای پیچیده و زبان را تکوین بخشید. چه‌گونه توانستیم به این چیزها دست یابیم؟

در این کتاب، بر آمیزه‌ی مفهومی^۱ تمرکز می‌کنیم، یک توانایی بزرگ ذهنی که، در پیش‌رفته‌ترین صورت خود یعنی آمیزه‌ی «دودامنه»^۲، به نیاکان ما دست‌انطا کرد و، خواهی نخواهی، ما را به آن‌چه امروز هستیم رساند. در این کتاب اصول آمیزه‌ی مفهومی، پویایی جذاب آن، و نقش حیاتی آن را در این‌که چه‌گونه می‌اندیشیم و چه‌گونه زندگی می‌کنیم می‌کاویم.

آمیزه‌ی مفهومی عمدتاً در پشت‌صحنه عمل می‌کند. ما از پیچیدگی‌های پنهان آن

1. conceptual blending

2. double-scope

آگاه نیستیم، همان گونه که از پیچیدگی‌های ادراک، مثلاً، دیدن یک فنجانی آبی آگاهی نداریم. آمیزه‌ی مفهومی، تقریباً به دور از دست‌رسی آگاهی، شبکه‌های وسیعی از معانی مفهومی را طراحی، و محصولات شناختی را تولید می‌کند که، در سطح آگاهی، به ظاهر، ساده می‌نمایند. نحوه‌ی اندیشیدن همان نیست که فکر می‌کنیم. اندیشه‌ی روزمره به ظاهر ساده می‌نماید، اما حتی ساده‌ترین اندیشه‌ها به صورت تعجب‌برانگیزی پیچیده هستند.

م محصولات آمیزه‌ی مفهومی همه‌جا حاضر است. دانش جویان فن بلاغت، ادبیات، ماسی، و ابداع علمی بسیاری از این محصولات آمیزه را دیده‌اند، که هر کدام به تنهایی، در زمان سرزد، از لحاظ تازگی و جذابیت، جالب توجه بوده است. این محققان، از ارسطو تا فرید، این نمونه‌های خاص را استثنا، فوران‌های حاشیه‌ای معنا، کنج‌کاوی و تخیل، قلمداد کرده‌اند. اما هیچ‌کدام توانایی ذهنی عام آمیزه را در کانون توجه قرار نداده‌اند، تا آن‌جا که می‌توانیم بگوییم، به این فکر نیفتاده‌اند که یک چنین ظرفیت ذهنی‌ای وجود دارد. سوای محوشدن در ناذبه‌های خاص — نقاشی، شعر، رؤیا، پیش علمی — هیچ‌کدام به آن چه همه‌ی این پدیده‌ها به اشتراک داشتند توجه نکردند. درختان زیبا مانع دیدن جنگل شدند.

کار ما با همین مثال‌های اغواکننده، کنج‌کاوی برانگیز شروع شد. اما ما با دقیق ساختن اصول زیربنایی آن‌ها، نگرین به حاکم، شت درختان را آغاز کردیم. ما پی بردیم که عملیات شناختی یکسانی — آمیزی مفهومی — نقش تعیین‌کننده در اندیشه و عمل انسان بازی می‌کند، و تنوع بی‌پایانی از تجلی‌های حساس را به دست می‌دهد. این یک کشف هیجان‌برانگیز اما در عین حال تکان‌دهنده بود، چون خلاف عقل سلیم به نظر می‌رسید. ما در واقع قصد چنین کاری را نداشته‌ایم. برعکس، مثل ارسطو و فروید، و دیگران که در این سنت کمتر برجسته‌اند، با نگرین به مثل‌های جالب و، به نظر ما، عجیب خلاقیت، مانند خلاف واقع‌های قیاسی، استعاره‌ها در شعر، هیولاهایی (خیمایراهایی) چون میمون‌های سخن‌گو شروع کردیم. تا سال ۱۹۹۳، ما شواهد فراوانی برای بسیاری از دیگر رشته‌ها گرد آوردیم — دستور، ریاضیات، استنباط، واسط‌های کامپیوتر، کنش، و طراحی. این کار یک برنامه‌ی پژوهشی عام در باره‌ی آمیزه‌ی مفهومی

به‌عنوان عملیات پایه‌ی ذهن، اصول ساختاری و پویای آن، وقیده‌های حاکم بر آن را موجب شد.

چند «نظریه‌پردازِ خلاقیت» از زاویه‌ی دیگر و با داده‌های متفاوت دربارهِ وجودِ ظرفیتِ عامِ ذهن مطالعه می‌کردند — استفان میثن آن را «سیّالی شناختی» می‌نامد — و عناصری از حوزه‌های مختلف را گرد هم می‌آوردند. میثن و دیگران وجودِ این ظرفیتِ شناختی را به انفجارِ خلاقیت در ابزارسازی، نقاشی، و مراسم مذهبی مربوط ساختند، که باستان‌شناسان تاریخ آن‌ها را تقریباً ۵۰,۰۰۰ سال پیش تخمین می‌زنند.

رایج‌ترین کتاب، ما استدلال می‌کنیم که آمیزه‌ی مفهومی زیربنای همه‌ی دست‌آوردهای گوناگونِ انسانی است که می‌گیرد و آن‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد، یعنی، آمیزه‌ی مفهومی مسئولِ زبان، هنر، مذهب، علم، و دیگر پیش‌رفت‌های انسان است، و از اندیشه‌های پایه‌ی روزمره هم چون ترانه‌ای ای علمی و هنری جدایی‌ناپذیر است. بالاتر از همه، هدفِ ما انجام کاری است که قبلاً به‌جام نرسیده است: تبیینِ اصول و سازوکارهای آمیزه‌ی مفهومی.